

رابطه سبک های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل

رویا مشاک *

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، رابطه سبک های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل زن و مرد دانشگاه آزاد شهر اهواز بود. نمونه پژوهشی شامل ۱۲۰ نفر دانشجوی زن مرد ترم آخر که در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ به تحصیل اشتغال داشتند بود که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و با آزمون های استرنبرگ و انریچ مورد ارزیابی قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری نشان داد که: بین عشق و سبک های آن (صمیمیت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی در دانشجویان زن و مرد رابطه مثبت معنی داری وجود دارد و مؤلفه های صمیمیت و تعهد پیش بینی کننده مناسبی برای رضایت زناشویی می باشند.

کلیدواژگان: سبک های عشق، رضایت زناشویی، دانشجویان.

مقدمه

برای شما از جنس خودتان همسرانی آفریدیم که به آنها آرامش گیرید و میان شما محبت و مهربانی قرار دادیم (سوره روم، آیه ۲۱).
انسان در زندگی خود مقاطع و مراحل حساسی را پشت سر می گذارد. یکی از این مراحل حساس و سرنوشت ساز مسأله ازدواج و تشکیل زندگی مشترک است و مهمتر از این مرحله تلاش هر یک از زوجین برای حفظ این زندگی مشترک و حتی الامکان رسیدن به درجات عالی رضایت بخش زناشویی است تا در سایه این رضایت بتوانند به اهداف مورد نظرشان از ازدواج دست یابند. رابطه

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

زناشویی در زندگی مانند هر رابطه دیگری دارای جنبه های مثبت و منفی می باشد، مهمترین عامل شاخص و تعیین کننده در ازدواج، کیفیت و نوع رابطه بین زن و شوهر است (گاتمن^۱، ۲۰۰۲). لازمه حفظ روابط زناشویی تعهد، حساسیت، سخاوت، ملاحظه، صمیمیت، وفاداری، مسئولیت، اعتماد و اطمینان می باشد. زن و شوهر به همکاری، مودت و حسن تفاهم نیاز دارند. باید انعطاف پذیر، پذیرنده و بخشنده باشند، باید خطاهای یکدیگر را تحمل کنند و به خصوصیات هم بها بدهند. تنها در صورت وجود این خصوصیات و تقویت آنها است که به مرور ایام، ازدواج به بلوغ و خودشکوفایی می رسد (بک^۲، ترجمه: قراچه داغی، ۱۳۷۲). فروید^۳ معتقد است که همه چیزهایی که تاکنون به دست آورده اید و تمام چیزهایی را که انتظار دارید به دست آورید، خواه همسر یا والد خوبی باشید و حتی حالت سلامت عمومی شما می تواند تحت تأثیر شخصیت شما و شخصیت افرادی که با آنها تعامل دارید قرار گیرد. مازلو^۴، عشق را با میل جنسی که یک نیاز فیزیولوژیکی است برابر نمی دانست اما قبول داشت که میل جنسی یک راه برای بیان نیاز عشق است (شولتز و شولتز^۵، ۱۹۹۸؛ ترجمه: سید محمدی، ۱۳۸۵). روان شناسان عشق را یک هیجان اساسی و مثبت معرفی می کنند، اما در مورد مفهوم عشق و انواع آن اتفاق نظر ندارند. روانشناسان فرهنگی از جمله افرادی هستند که به مفهوم سازی عشق توجه نموده اند. برخی تفاوت های فرهنگی نیز در مورد مفهوم عشق وجود دارد و حتی معنای عشق از یک دوره تاریخی به دوره دیگر نیز متفاوت است. فروید سلامت روان شناختی را به طور خلاصه «توانایی عشق ورزیدن و کار کردن» تعریف می کند. به اعتقاد مازلو نیاز به عشق ورزیدن نه تنها پاسخی به یک نقص نیست، بلکه فرآیندی است که به وسیله تکانه های ایجاد کننده خودشکوفایی، برانگیخته می شود (دیچ^۶، ۱۹۷۳). اریکسون^۷ مرحله جوانی و اووان بزرگسالی را مرحله پیوند زناشویی و صمیمیت در مقابل انزوا می داند، او معتقد است که در این دوره ما نوعی کار خلاق را به عهده می گیریم و با دیگران روابط صمیمی برقرار می کنیم و پیوند زناشویی ایجاد می نمایم. وی صمیمیت را محدود به روابط جنسی نمی داند بلکه به احساس وفاداری، خود را بی پرده ابراز نمودن می داند و افرادی که قادر به برقراری چنین صمیمیتی نیستند، احساس انزوا می کنند و از تماس های اجتماعی اجتناب نموده و شاید نسبت به دیگران پرخاشگر هم بشوند. نیرومندی بنیادین که در این مرحله از رشد ظاهر می شود عشق است که از صمیمیت پدید می آید. اریکسون عشق را مهمترین مزیت انسان می دانست. او عشق را از خود گذشتگی دو جانبه یعنی ادغام شدن فرد در شخص دیگر توصیف کرد (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸؛ ترجمه: سید محمدی، ۱۳۸۵). چندین نظریه در مورد هیجان عشق وجود دارد؛ به عنوان مثال،

۱. Gotman

۲. Beck, A. T

۳. Freud

۴. Maslow

۵. Schultz & Schultz

۶. Dietch,

۷. Erikson

استرنبرگ (۱۹۸۶)، نظریه مثالی عشق را مطرح و سه مؤلفه «صمیمیت»^۱، «میل یا لذت»^۲ و «تعهد»^۳ را برای عشق فرض نمود. بنابراین، عشق نیز به عنوان یک پدیده روانی دارای سه مؤلفه رفتاری (صمیمیت)، هیجانی (میل یا لذت) و شناختی (تعهد) است (رفیعی و اصغری نیا، ۱۳۸۶). در گونه های مختلف عشق، این مؤلفه ها به صورت های مختلفی با هم ترکیب می شوند. به عنوان مثال ویژگی عشق رمانتیک، صمیمیت به علاوه شور و شهوت است. ویژگی عشق احمقانه یا بلاهت آمیز، تعهد است که تنها شهوت به آن دامن می زند و عشق کامل یا تمام عیار آمیزه ای از همه این مؤلفه های سه گانه صمیمیت، هوس و تعهد است (استرنبرگ^۴، ۱۹۹۷؛ ترجمه: بهرامی، ۱۳۸۶). احساس عشق هیجانی است که با تجربه تحریک شهوانی همراه می گردد. اما افراد ممکن است پس از وصل جنسی یکدیگر را غیر جذاب و ناخوشایند ببینند ولی عشق اصیل مستلزم تعهد و به کارگیری خرد است. وقتی رشد روحی کسی بر ایمان اهمیت دارد می دانیم عدم تعهد نسبت به او مضر و آسیب زننده خواهد بود و برای اثبات علاقه مؤثر خود باید به او متعهد باقی بمانیم (پک، ۱۹۳۶؛ ترجمه: ادهمی، ۱۳۸۱). تعهد هم جزء جدایی ناپذیر هر رابطه دوستدار است. اما بر اساس گفته استرنبرگ (۱۹۸۸)، در روابط نزدیک، عشق بخشی از عواملی است که سبب موفقیت می شود و نه همه آن چیزها. محیط دلسوز، دوستان، رفاه اقتصادی، موفقیت ها و دستاوردهای روحی و علایق و ارزش های سازگار و... همه عواملی هستند که بر روند امور اثر می گذارند و سبب دگرگونی می شوند (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ ترجمه: بهرامی، ۱۳۸۶). برخی تفاوت های جنسیتی نیز در رابطه با انواع عشق گزارش شده است، به گونه ای که دیون و دیون^۵ (۱۹۹۳؛ نقل از کیم و هاتفیلد^۶، ۲۰۰۴) معتقدند که عشق در مردان، پرشورتر از عشق در زنان و عشق در زنان، رفاقتی تر از عشق در مردان است. فرهنگ نیز روی چگونگی تعریف افراد از عشق و چگونگی آمادگی آنها برای تجربه عشق تأثیر می گذارد. در فرهنگ های فردگرا^۷ (مانند ایالات متحده امریکا)، به میزان بسیار زیادی بر عشق پرشور تأکید می شود، در حالی که در فرهنگ های جمع گرا^۸، از دواج ها به واسطه همکاری خانواده، وابستگان و دوستان و براساس زمینه های اقتصادی- اجتماعی مشابه صورت می گیرد که ممکن است ضرورتاً با عشق همراه نباشد. عشق یک پدیده عصبی زیست شناختی پیچیده است که بر اعتماد، باور، لذت و فعالیت های پاداش دهنده مغز استوار است. برخی یافته ها نشان داده است که عشق پیامدهایی برای سلامت و بهزیستی دارد و ممکن است مناطق مرتبط با هیجان، توجه، انگیزش و حافظه را فعال سازد و تنیدگی را کاهش دهد (ایش و استفانو^۹، ۲۰۰۵). برخی دیگر از مطالعات نیز نشان داده اند که عشق یک پیش بینی کننده مهم شادکامی، رضایت و هیجان های

۱. Intimacy
۲. Passion
۳. Decision/ Commitment
۴. Sternberg
۵. Dion & Dion
۶. Kim & Hatfield
۷. individualistic
۸. collectivistic
۹. Esch & Stefano

مثبت است و تولید مثل را تسهیل می کند و باعث حس امنیت و کاهش اضطراب و تنیدگی می شود (کیم و هاتفیلد، ۲۰۰۰). نتایج مطالعات گونزگا و همکاران (۲۰۰۶)، نشان داد که عشق تنها با حالت های هیجانی مثبت تر مرتبط است، یعنی میزان ابراز و تجربه عشق، تنها پیامدهای روابط مثبت را پیش بینی می کند. بر طبق نتایج پژوهش آنها تولید مثل و رفتارهای جنسی نیز جنبه های دیگری از عشق هستند. اما اجتماع، حمایت اجتماعی، سلامت و بقا به طور واضح مؤلفه های سودمندی از مفهوم زیست شناختی عشق را مشخص می کنند. پرلمن و فرآ (۱۹۸۷)، معتقدند که روابط صمیمی؛ شامل عاطفه و گرمی، خودافشاگری و نزدیکی و وابستگی بین فردی است. مطابق با دیدگاه روان شناسان اجتماعی سه عامل عاطفه، اعتماد و خودافشاگری احساس صمیمیت را شکل می دهند. روابط صمیمی، خلاقیت، بارآوری و یکپارچگی هیجانی را تقویت می کند. صمیمیت با شادکامی، خرسندی و حالت بهزیستی همراه است و ارتباط صمیمی در یک رابطه جنسی سالم و کاملاً رضایت بخش نقش دارد (نقل از هاتفیلد و رپسون، ۲۰۰۶). از سویی، صمیمیت در یک رابطه عاشقانه به زن و شوهر امکان می دهد تا از دنیای تنهایی و جدایی به درآیند و به فضای یکپارچگی احساس و عواطف خود با دیگران برسند، باید باورها و تجربه های خود را با هم در میان بگذارند، هرچه و جوه مشترک بیشتر شود صمیمیت عمیق تر می شود (اربابان اصفهانی و قافله کش کرمانی، ۱۳۸۵). تعهد بالا نیز به عنوان یکی از مؤلفه های عشق رفاقتی با سلامت در ارتباط است. افراد دارای تعهد بالا، زندگی هدفمندی دارند و در رویدادهای بالقوه تنیدگی زا، به معنایی دست می یابند که به واسطه آن راهبردهای مقابله ای فعال را اتخاذ می کنند (استروپ، ۲۰۰۲). اما تعهد عمیق، همیشه توفیق رابطه زناشویی را تضمین نمی کند اما بیش از هر عامل دیگری به استحکام آن یاری می رساند. احساس تعهد پس از ازدواج است که موجب تعالی عاشقی به عشق اصیل می گردد و همین تعهد است که پس از انجام عمل لقاح سبب تعالی ما از والدینی زیستی به اولیایی روانی می گردد. تعهد جزء جدایی ناپذیر هر رابطه دوستدار است (پک، ۱۹۳۶؛ ترجمه: ادهمی، ۱۳۸۱). بک (۱۹۹۴)، ترجمه: قراچه داغی، ۱۳۷۹) معتقد است که عشق به عنوان یک جزء مهم و مؤثر در ازدواج های موفق است. هماهنگی و ارضای نیازهای زوجین، بر آوردن نیازهای عاطفی، داشتن مهارت های مربوط به ایجاد تفاهم و شیوه های محبت و ارضای نیازهای جنسی زوجین می تواند باعث رضایت زوجین از زندگی مشترک و تداوم آن گردد. عشق، صمیمیت و روابط جنسی جنبه های درهم تنیده روابط نزدیک هستند که هر کدام تداوم دیگری را به شیوه های مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار می دهد (دانش، ۱۳۸۳). عشق به عنوان پایه ای محکم برای شروع و ادامه روابط زناشویی می باشد. نیرویی که ما را به عنوان افرادی واحد و نوع بشر را در برابر مقاومت طبیعی رکود شخصی خودمان به رشد و حرکت وامی دارد، نیروی عشق است. به یاری عشق، فرد خود را به تعالی

۱. Gonzaga, Keltner, Londhal & Smith
۲. Perlman & feer
۳. Hatfield & Rapson
۴. Straub
۵. Paak

می‌رساند. عشق انسانی چنان نیروی معجزه آسایی دارد که قانون طبیعی رکود را در صحنه نبرد با شکست رو به رو می‌سازد (پک، ۱۹۳۶؛ ترجمه: ادهمی، ۱۳۸۱). اسمیت و رابینز (۱۹۸۸) ویژگی‌های زوجین موفق را این گونه مطرح می‌کند که: الف) بیشتر زوجین سازگار و موفق متوجه این نکته هستند که آنها در قفس زندگی نمی‌کنند و نیز به یاد دارند که به همدیگر آزادی‌هایی را بدهند و فضاهای خصوصی نیز برای هم قائلند. ب) زوجین موفق هدف خود را در ازدواج مبتنی بر عواطف واقع‌گرایانه می‌پندارند. ج) زوجین باهوش سعی در جذب شدن به سوی دیگران و نیز جذب دیگران به سوی خود هستند. علاوه بر این، در ازدواج‌های موفق عواملی از جمله نگرش مثبت نسبت به یکدیگر و احساس تعهد در مقابل ازدواج و مقدس شمردن آن را مؤثر می‌دانند (وندرزندن، ۱۹۹۶؛ ترجمه: گنجی، ۱۳۷۶). قرآن کریم اساس رابطه زناشویی را مؤدت و محبت می‌داند (سوره روم، آیه ۲۱).

در این رابطه پژوهشگران تحقیقات بسیاری انجام داده‌اند؛ آوریبک، کمپ و اینگلز^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی بیان کردند؛ بین مؤلفه‌های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) با تداوم رابطه عاشقانه مثبت وجود دارد. دونلن، لوسن-رایف و کانگر^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود عنوان کردند که شایستگی در رابطه عاشقانه بزرگسالان، از تفاوت‌های فردی سرچشمه می‌گیرد.

کرافورد، فینگ، فیشر و دیانا^۳ (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که؛ عشق و برابری بهترین پیش‌بینی کننده‌های تناوب رابطه هستند و باعث افزایش تعهد در رابطه عاشقانه می‌شوند. به عبارتی؛ تعهد، روابط عاشقانه را حفظ می‌کند.

گونزاگا و همکاران^۴ (۲۰۰۱) نتیجه گرفتند که؛ تجربه عشق با شرایط مربوط به نزدیک شدن (میل و همدلی) به همسر و ابراز غیر کلامی عشق با روابط عاشقانه و همچنین، تجربه عشق و ابراز کردن غیر کلامی عشق با تعهد بالا (اعتماد، وابستگی متقابل، عاطفه و مهربانی) رابطه مثبت دارند.

آکر و دیویس^۵ (۱۹۹۲) در تحقیقی عنوان نمودند که سطوح بالای تعهد در روابط عاشقانه بارز بوده و لذت در زنان نمود بیشتری دارد و تعهد قدرتمندترین پیش‌بین رابطه عاشقانه می‌باشد.

در ایران مطالعاتی در این زمینه انجام شد از جمله: در تحقیقی که توسط عیسی نژاد و همکاران (۱۳۸۷) انجام شد به بررسی تأثیر انواع عشق بر شادمانی زناشویی پرداختند. نتایج نشان داد که بین انواع عشق و شادمانی زناشویی ارتباط معنی‌داری وجود دارد و میزان شادمانی زناشویی در میان زنان بیش از مردان است.

خوشنویسان و همکاران (۱۳۸۷)، به این نتایج رسیدند که میزان رضایتمندی زنان به طور معناداری کمتر از مردان است و میانگین نمرات زنان در مؤلفه‌های عشق، قدرت و آزادی به طور معنی‌داری کمتر از نمرات مردان است.

۱. Smith, Robbins

۲. Venderzenden

۳. Overbeak, Kemp, & Engels

۴. Donnellan, Learsen- Rife, & Conger

۵. Venderzenden

۶. Craford, Feng, Fischer & Diana

۷. Gonzaga, Keitner, Londahi & Smith

۸. Acker & Davis

نتایج حاصل از پژوهش ولی بیگی و همکاران (۱۳۸۷) بیانگر آن بود که؛ از بین عناصر عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) تنها بین صمیمیت و رضایت از زندگی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و همچنین عنصر صمیمیت با عدم سلامت روان (عاطفه منفی) رابط معکوس و معنادار و بین عنصر تعهد با سلامت روان (عاطفه مثبت) رابطه مستقیم و معنادار و بین رضایت از زندگی و عاطفه مثبت رابطه مستقیم و معنادار و بین رضایت از زندگی و عاطفه منفی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

رفیعی نیا و اصغری (۱۳۸۶)، در پژوهش خود نشان داد که زنان در عشق رفاقتی بالاتر و با عاطفه مثبت بالاتر و با عاطفه منفی پایین تر رابطه داشت ولی در مردان بین عشق رفاقتی و عاطفه مثبت و منفی رابطه معنادار نبود.

کامکار و جباریان (۱۳۸۵)، تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی را بر ۳۰ زن متأهل که به قصد طلاق و جدایی به مراجع ذریع مراجع کرده بودند، بررسی نمودند و نشان دادند که ۵۷٪ اختلال در روابط زناشویی به دلیل اختلال در روابط عاطفی و صمیمی زوجین بوده است و همچنین در پژوهشی طولی تحت عنوان «پیش بینی کننده های سازگاری زناشویی زوج های جوان چهار سال پس از ازدواج» نشان دادند که عوامل «نارسا کنش وری شوهران» به صورت منفی و «زنانگی مردان» و «زنانگی زنان» هر دو به صورت مثبت به طور معناداری سازگاری زناشویی مردان را چهار سال بعد از اندازه گیری اولیه پیش بینی می کردند و این در حالی است که «اضطراب مردان» و «افسردگی زنان» هر دو به صورت منفی و عوامل «افسردگی مردان» و «زنانگی زنان» هر دو به صورت مثبت به طور معنادار سازگاری زنان را در چهار سال بعد پیش بینی می کردند.

سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵)، در پژوهش خود نشان دادند که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می تواند موجب رضایت بیشتر از روابط زناشویی گردد و تعهد به تنهایی موجب رضایت زناشویی نمی گردد.

فاتحی زاده و احمدی (۱۳۸۴)، در تحقیق خود دریافتند که در هر دو گروه زنان و مردان بین رابطه سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی بیشترین همبستگی وجود دارد.

دانش و نجاتیان (۱۳۸۳) در پژوهشی دریافتند که هر چه میزان رضایت از روابط جنسی بیشتر باشد، رضایت زناشویی نیز افزایش می یابد و هر چه از زمان ازدواج می گذرد، رضایت زناشویی بیشتر می شود. همچنین بین رضایت از روابط جنسی و زناشویی در مردان و زنان تفاوت وجود ندارد، اما بین رضایت از روابط جنسی زنان و مردان با توجه به تحصیلاتشان تفاوت وجود دارد.

لذا هدف از پژوهش حاضر؛ پاسخ به این پرسش علمی می باشد که آیا بین سبک های عشق (صمیمیت، لذت و تعهد) و رضایت زناشویی دانشجویان زن و مرد متأهل رابطه وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش

- ۱) بین سبک های عشق «و مؤلفه های آن» با رضایت زناشویی دانشجویان زن و مرد رابطه وجود دارد.
- ۲) بین سبک های عشق «و مؤلفه های آن» با رضایت زناشویی دانشجویان زن و مرد رابطه چندگانه وجود دارد.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان متأهل ترم آخر دانشگاه آزاد شهر اهواز بودند که در سال ۸۷-۱۳۸۶ به تحصیل اشتغال داشتند. برای انتخاب نمونه به روش تصادفی ساده ۱۲۰ نفر انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک های عشق استرنبرگ (STERENBERG)

پرسشنامه عشق استرنبرگ توسط رابرت. جی. استرنبرگ (۱۹۸۶) تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده و سه مؤلفه: صمیمیت، لذت و تعهد را می سنجد که هر یک از این مؤلفه ها دارای ۱۵ ماده، که پاسخ به ماده ها به روش لیکرت و به صورت ۹ گزینه ای (اصلاً تا به طور کامل) که به ترتیب ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ نمره گذاری می شود (قمرانی و سادات جعفر طباطبایی (۱۳۸۵). امان الهی فرد (۱۳۸۵) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مؤلفه های صمیمیت ۰/۸۹، لذت ۰/۸۹ و تعهد ۰/۸۱ گزارش کردند. قمرانی و سادات جعفر طباطبایی (۱۳۸۵) ضرایب روایی برای مؤلفه های صمیمیت، لذت و تعهد به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۷ و ۰/۹۲ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف ۰/۹۶ و ۰/۹۲ که آلفای کرونباخ برای مؤلفه ها به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۲ و ۰/۹۲ و اعتبار ۰/۵۵، ۰/۳۷ و ۰/۴۴ به دست آمد.

پرسشنامه رضایت زناشویی (ENRICH)

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ توسط اولسون (۱۹۸۹) نقل از سلیمانان، (۱۳۷۳) تدوین شده است که شامل ۴۷ ماده و ۱۲ خرده مقیاس می باشد. پاسخ به ماده ها به روش لیکرت و به صورت پنج گزینه ای (کاملاً" موافقم تا کاملاً" مخالفم) بوده و نمره گذاری به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ است و تعدادی از ماده ها به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. اولسون (۱۹۸۹) ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۹۲ به دست آورد و شریف نیا (۱۳۸۰) ضریب روایی پرسشنامه را ۰/۹۲ و سلیمانان روایی همزمان پرسشنامه ۴۷ ماده ای را با فرم اصلی آن ۰/۹۵ به دست آوردند. در پژوهش حاضر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۱ و اعتبار ۰/۷۵ به دست آمده است.

یافته های پژوهش: در دو بخش ارائه شده است: الف. یافته های توصیفی و ب. یافته های مربوط به فرضیه ها. الف) یافته های توصیفی: این یافته ها در جدول ۱ ارائه شده است.

ب) یافته های مربوط به فرضیه ها:

در این پژوهش برای بررسی فرضیه های تحقیق به انجام روش ضریب همبستگی پیرسون (جدول ۲) و رگرسیون چند متغیری (روش ورود ۳؛ جدول ۳ و روش چند مرحله ای ۴؛ جدول ۴) تجزیه و تحلیل انجام شده است.

۱. Triangular inventory of love Sterenberg

۲. Olson

۳. Enter

۴. Stepwise

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌ها در متغیرهای تحقیق
مربوط به کل نمونه و تفکیک جنسیت

| نمونه‌ها | دانشجویان | کل | دانشجویان | مرد | دانشجویان | زن |
|------------------|-----------|--------------|-----------|--------------|-----------|--------------|
| شاخص آماری | میانگین | انحراف معیار | تعداد | انحراف معیار | تعداد | انحراف معیار |
| متغیرها | | | | | | |
| ۱- عشق | ۳۴۹/۴۵ | ۵۱/۹۰ | ۱۲۰ | ۴۳/۷۳ | ۶۰ | ۴۷/۷۹ |
| ۲- صمیمیت | ۱۱۹/۸۸ | ۱۹/۳۴ | ۱۲۰ | ۱۶/۵۸ | ۶۰ | ۱۷/۹۷ |
| ۳- هوس | ۱۰۴/۲۷ | ۲۱/۳۴ | ۱۲۰ | ۲۰/۳۳ | ۶۰ | ۲۰/۷۵ |
| ۴- تعهد | ۱۲۵/۳۰ | ۱۴/۹۹ | ۱۲۰ | ۱۱/۹۵ | ۶۰ | ۱۳/۵۴ |
| ۵- رضایت زناشویی | ۱۰۸/۱۱ | ۲۵/۶۶ | ۱۲۰ | ۲۳/۴۰ | ۶۰ | ۲۷/۹۲ |

جدول ۲. ضرایب همبستگی ساده بین عشق و مؤلفه‌های آن
با رضایت زناشویی دانشجویان

| متغیر ملاک | متغیر پیش‌بین | شاخص آماری آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی (r) | سطح معنی‌داری (p) | تعداد نمونه (n) |
|---------------|---------------|-----------------------|------------------|-------------------|-----------------|
| عشق | کل دانشجویان | ۰/۶۹ | ۰/۰۰۰۱ | ۱۲۰ | |
| | دانشجویان زن | ۰/۶۸ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| | دانشجویان مرد | ۰/۷۴ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| رضایت زناشویی | کل دانشجویان | ۰/۶۷ | ۰/۰۰۰۱ | ۱۲۰ | |
| | دانشجویان زن | ۰/۶۰ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| | دانشجویان مرد | ۰/۷۵ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| هوس | کل دانشجویان | ۰/۵۸ | ۰/۰۰۰۱ | ۱۲۰ | |
| | دانشجویان زن | ۰/۵۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| | دانشجویان مرد | ۰/۶۷ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| تعهد | کل دانشجویان | ۰/۶۳ | ۰/۰۰۰۱ | ۱۲۰ | |
| | دانشجویان زن | ۰/۶۸ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |
| | دانشجویان مرد | ۰/۶۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۶۰ | |

همان طوری که در جدول ۲- نشان داده شده است بین عشق و رضایت زناشویی کل دانشجویان رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/0001$ و $r=0/69$). بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، با افزایش عشق، رضایت زناشویی دانشجویان نیز افزایش یافته است. بین عشق و رضایت زناشویی دانشجویان مرد رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده گردید ($P=0/0001$ و $r=0/74$). بین عشق و رضایت

زناشویی دانشجویان زن رابطه مثبت معنی داری مشاهده گردید ($P=0/0001$ و $r=0/68$).
 بین صمیمیت و رضایت زناشویی کل دانشجویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($P=0/0001$) و
 $r=0/67$). به عبارت دیگر، با افزایش صمیمیت، رضایت زناشویی دانشجویان نیز افزایش یافته است. بین
 صمیمیت و رضایت زناشویی دانشجویان مرد رابطه مثبت معنی داری مشاهده گردید ($P=0/0001$) و
 $r=0/75$). بین صمیمیت و رضایت زناشویی دانشجویان زن رابطه مثبت معنی داری نیز مشاهده می شود
 ($r=0/60$ و $P=0/0001$).

بین هوس و رضایت زناشویی کل دانشجویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($P=0/0001$) و
 $r=0/58$). به عبارت دیگر، افزایش هوس، با افزایش معنی داری در رضایت زناشویی دانشجویان توام
 شده است. بین هوس و رضایت زناشویی دانشجویان مرد رابطه مثبت معنی داری مشاهده گردید
 ($P=0/0001$ و $r=0/67$). بین هوس و رضایت زناشویی دانشجویان زن رابطه مثبت معنی داری نیز
 مشاهده می شود ($r=0/51$ و $P=0/0001$).

بین تعهد و رضایت زناشویی کل دانشجویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($P=0/0001$) و
 $r=0/63$). یعنی، هرچه بر میزان تعهد دانشجویان افزوده می شود به همان اندازه رضایت زناشویی آنان
 نیز افزایش می یابد. بین تعهد و رضایت زناشویی دانشجویان مرد رابطه مثبت معنی داری مشاهده گردید
 ($P=0/0001$ و $r=0/61$). بین تعهد و رضایت زناشویی دانشجویان زن رابطه مثبت معنی داری نیز
 مشاهده می شود ($r=0/68$ و $P=0/0001$). نتایج بررسی فرضیه های بالا در جدول ۳ ارائه شده است.

**جدول ۳. ضرایب همبستگی چندگانه سبک های عشق (و مؤلفه های آن)
 با رضایت زناشویی دانشجویان با روش enter**

| شاخص آماری | همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | نسبت F احتمال p | ضرایب | رگرسیون | (β) |
|------------------|-----------------|------------|-----------------|-------------------------|---|---------------------------------------|
| متغیرهای پیش بین | MR | RS | | ۱ | ۲ | ۳ |
| رضایت زناشویی | ۱- صمیمیت | ۰/۷۳ | ۰/۵۳ | $F=22/48$ $P=0/0001$ | $\beta=0/541$ $t=7/87$ $P=0/0001$ | |
| | ۲- هوس | ۰/۷۴ | ۰/۵۴ | $F=20/48$ $P=0/0001$ | $\beta=0/17$ $t=1/98$ $P=0/049$ | |
| | ۳- تعهد | ۰/۷۶ | ۰/۵۷ | $F=18/64$ $P=0/0001$ | $\beta=0/31$ $t=2/88$ $P=0/005$ | $\beta=0/20$ $t=1/88$ $P=0/062$ |

طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر (enter)، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی متغیرهای پیش بین (مؤلفه های عشق) با رضایت زناشویی دانشجویان برابر با $MR=0/76$ و $RS=0/57$ می باشد که در سطح $p=0/001$ معنی دار است. بنابراین فرضیه تأیید می گردد. با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS)، مشخص شده که ۵۷ درصد واریانس رضایت زناشویی دانشجویان توسط متغیرهای پیش بین قابل تبیین می باشد.

جدول ۴. ضرایب همبستگی چندگانه سبک های عشق (مؤلفه های آن) با رضایت زناشویی دانشجویان با روش (stepwise)

| متغیر ملاک | شاخص آماری متغیر پیش بین | همبستگی چندگانه MR | ضریب تعیین RS | نسبت F احتمال P | ضرایب | رگرسیون |
|------------------|-----------------------------|--------------------------|---------------------|--------------------------|---------------------------------------|---------|
| رضایت زناشویی | ۱-صمیمیت | ۰/۶۶ | ۰/۴۴ | $F=94/28$ $p=0/001$ | $\beta=0/66$ $t=9/71$ $p=0/001$ | ۲ |
| | ۲-تعهد | ۰/۷۵ | ۰/۵۷ | $F=37/45$ $p=0/001$ | $\beta=0/24$ $t=2/44$ $p=0/016$ | |

همان طوری که در جدول ۴-ملاحظه می شود، از میان متغیرهای پیش بین، صمیمیت و تعهد به ترتیب پیش بینی کننده برای رضایت زناشویی دانشجویان می باشند و مؤلفه دیگر در پیش بینی کنندگی، نقشی را ایفا نمی کند. با توجه به نتایج حاصله از روش های (enter, stepwise) به طور کلی فرضیه دوم تأیید می گردد.

بحث و نتیجه گیری

براساس یافته های حاصل از فرضیه اول و دوم بین سبک های عشق (مؤلفه های آن) با رضایت زناشویی دانشجویان زن و مرد رابطه وجود دارد که این روابط چندگانه هم می باشند. نتایج حاصل از این پژوهش با تحقیقات ؛ آوربک، کمپ و اینگلز (۲۰۰۷)، دونلن، لوسن-رایف و کانگر (۲۰۰۵)، کرافورد، فینگ، فیشر و دیانا (۲۰۰۳)، گونزاگا و همکاران (۲۰۰۱)، آکر و دیویس (۱۹۹۲)، عیسی نژاد و همکاران (۱۳۸۷)، خوشنویسان و همکاران (۱۳۸۷)، ولی بیگی و همکاران (۱۳۸۷)، رفیعی نیا و اصغری (۱۳۸۶)، کامکار و جباریان (۱۳۸۵)، سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵)، فاتحی زاده و احمدی (۱۳۸۴)، دانش و نجاتیان (۱۳۸۳) همخوانی دارند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و از نشانه های خدا یکی این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفرید تا در کنار او آرامش بیابید».

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی در جامعه، تنظیم روابط زن و مرد بر پایه های مناسب است. فروید معتقد است که همه چیزهایی را که افراد در زندگی به دست می آورند تحت تأثیر شخصیت خود افراد و آنهایی که با او تعامل دارند قرار می گیرد. آپورت^۱ هم بیان می کند که شخصیت سالم حس خود را به افراد و فعالیت های فراتر گسترش داده، با دیگران ارتباط صمیمانه داشته، همدردی و شکیبایی نشان می دهد و مهارت های شخصی خود را پرورش می دهد. ازدواج پاسخ به عالی ترین نیاز فطری انسان و همگامی در طریق کمال است. هدف غایی ازدواج، رسیدن به آرامش روان، اعتلای وجود و نیل به فلاح است. ازدواج محبوب ترین بنای گسترده ی هستی در پیشگاه خالق زوج آفرین است. یکی از مهمترین عوامل شاخص در ازدواج، کیفیت و نوع رابطه بین زن و شوهر است. مجموعه ای از سبک های ارتباطی مثبت مانند بیان همدلانه و مناسب احساسات، توانش ادراکی و... با رضایت زناشویی همبستگی دارد و حال آنکه بسیاری از زوج هایی که در زندگی زناشویی با هم اختلاف دارند در برخورد با روابط خود تنها متوجه اشکالات می شوند و آنچه را دوست ندارند می بینند و از درک اینکه برای انجام سبک های ارتباطی مثبت خود چه کاری از آنها ساخته است، عاجزند. طرز تلقی های خودمدارانه در اوایل زندگی به منظور رسیدن به استقلال و بدون توجه به نیازهای دیگران به وجود می آید اما در ازدواج آنچه که باعث رنجش در زندگی زناشویی می شود میل به خودمختاری در زوجین می باشد. احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می گردد اما افراد ممکن است پس از وصل جنسی یکدیگر را غیر جذاب بیابند و به همین دلیل عشق اصیل مستلزم تعهد و به کارگیری خرد است. برای داشتن یک رابطه سالم، صمیمیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. وقتی احساسات نزدیک هیجانی و محبت بین همسران ابراز می شود، با افزایش زمان با هم بودن می تواند به ایجاد صمیمیت بیانجامد و هنگامی که صمیمیت در رابطه وجود دارد، رابطه تقویت می گردد اما زمانی که ارتباط به صورت تدافعی، سرد و بی احساس باشد، رابطه تضعیف می شود. وجود تعهد در رابطه باعث شکل گیری اعتماد و اطمینان می شود. زوجین متعهد، آن چنان با هم یکی می شوند که گویی یک نفر هستند. یک رابطه زناشویی بیمارگونه، رابطه ای است که در آن هر کدام از زوجین درصدد دستیابی به اهداف و خواسته های شخصی خود هستند. چنین رفتاری منجر به خودخواهی و خودپیروی همسران می شود و حفظ حقوق طرف مقابل اهمیتی نخواهد داشت. رابطه زناشویی زوجین باید یک رابطه رضایت بخش برای آنها باشد، تا بتواند نیازهای عاطفی و روانی خود را در آن تأمین کرده، احساس امنیت روانی داشته و نیازهای جنسی خود را نیز در این فضای صمیمانه برآورده سازند. افراد به دلایل مختلفی ازدواج می کنند. دلیل اصلی برای ازدواج اکثر آنان داشتن یک زندگی خوب و بدون تعارض است. زوجینی که احساس رضایت بالایی را از رابطه زناشویی خود گزارش می کنند، ویژگی های مثبت دیگری مانند احترام، گوش دادن و توجه به نیازهای فرد مقابل دارند. اریکسون عشق را از خودگذشتگی دو جانبه یعنی ادغام شدن فرد در شخص دیگر توصیف می کند. از طریق علاقه و میل به انسانی دیگر، برقراری ارتباط متقابل به صورت شایسته و حمایت از

۱. Allport

یکدیگر، هماهنگی و ارضای نیازهای جنسی، بر آوردن نیازهای عاطفی، داشتن مهارت های مربوط به ایجاد تفاهم و شیوه های محبت و وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی و وقایع خوش آیند و ناخوشایند زندگی، می توان ماهیت عشق را بهتر شناخت. اریکسون صمیمیت را محدود به روابط جنسی نمی داند بلکه به احساس وفاداری، خود را بی پرده ابراز نمودن می داند و افرادی که قادر به برقراری چنین صمیمیتی نیستند، احساس انزوای می کنند و از تماس های اجتماعی اجتناب نموده و شاید نسبت به دیگران پرخاشگر هم بشوند. با این حال زن و شوهر به کمک ارتباطات روشن می توانند به یکدیگر کمک کنند تا علائق و خواسته های خود را با خواسته های همسرشان در هم آمیزند، با شکل گرفتن انگاره های جدید رفتاری، انگاره های خودمدارانه به تدریج محو می شوند. فریود در دیدگاه روان پویایی عقیده دارد که توانایی کنترل تکانه ها و خویشتن و طرح و برنامه در رفتار اساس وجدانی بودن است که در رضایت و ارتباط های مثبت زناشویی نقش مثبتی را ایفا می کند. بردباری زن و مرد در روابط با یکدیگر، باعث بهبود رابطه ها می شود و زوجین پذیرای خصوصیات یکدیگر شده در نتیجه اصطکاک و سوء تفاهم میان آنها به تدریج محو و کمرنگ می شود. پس؛ خود افراد هم در رضایت و عدم رضایت از زندگی بی تقصیر نیستند. در روابط زناشویی، ما شاهد رابطه هایی هستیم که احتمالاً "گسیخته نمی شود، اما ناخوش اند، که از دو حال خارج نیست: یا اینکه تشکیل ارتباط های صمیمانه برای زن و شوهر بیش از حد دشوار است یا آنکه به دلیلی در مسیر تلاش برای درک و بهبود روابط خود، این جنبه مهم را از نظر دور نگه داشته اند که چه عواملی در حفظ این روابط زناشویی سهیم هستند. از سوی دیگر، بیشتر ما می توانیم روابطی را بر شماریم که براساس خوش اند که این زوجین توانسته اند با تشکیل ارتباط های مناسب در زندگی و یافتن عواملی که در حفظ این روابط زناشویی مؤثر است و عمل کردن به آنها به رضایت زناشویی برسند. لازمه حفظ روابط زناشویی تعهد، حساسیت، سخاوت، ملاحظه، صمیمیت، وفاداری، مسئولیت، اعتماد و اطمینان می باشد. زن و شوهر به همکاری، مودت و حسن تفاهم نیاز دارند. باید انعطاف پذیر، پذیرنده و بخشنده باشند، باید خطاهای یکدیگر را تحمل کنند و به خصوصیات هم بها بدهند. تنها در صورت وجود این خصوصیات و تقویت آنها است که به مرور ایام، ازدواج به بلوغ و خودشکوفایی می رسد. ازدواج با سایر مناسبات زندگی تفاوت دارد، وقتی زوجی با هم زندگی می کنند و متعهد به حفظ زندگی مشترک هستند، توقعاتی از هم پیدا می کنند و هر کدام انتظار دارند که از صمیمیت، وفاداری، حمایت و... بی قید و شرط دیگری برخوردار باشند. زن و مرد صریح یا غیرمستقیم، کلامی یا غیر کلامی خود را به رعایت این نیازهای عمیق متعهد کرده اند و هر اقدام زن و شوهر مفاهیمی مشتق از این امیال و انتظارات دارد. گاهی در یک رابطه، همسران در عمل ها و رویدادهای واحد، مفهوم و برداشت های متفاوت دارند، که این می تواند ناشی از ویژگی های متفاوت افراد باشد که باعث می شود همسران پدیده ها را به شیوه های مختلف ادراک کنند، پس از طریق تحمل خطاهای ناچیز یکدیگر و بها دادن به خصوصیات هم و اینکه زن و شوهر بدانند که همه خصوصیات همسر آنها لزوماً «بد» نیست و تنها به دلیل آنکه با خصوصیات آنها مطابقت ندارد، بد جلوه گر می گردد، هر دو می بینند که روابطشان

بهبود می یابد و در واقع شخصیت های آنها به قسمی شکل می گیرد که پذیرای خصوصیات یکدیگر بوده و در نتیجه سوء تفاهم میان آنها کم رنگ می شود. وجود این خصوصیات و تقویت آنها به مرور ایام باعث بلوغ و خودشکوفایی و رضایت از ازدواج می شود. برادشاو؛ عنوان می کند وقتی اشخاص به خاطر کمبودها و جبران نداشته های خود ازدواج می کنند رابطه ای مبتنی بر دشواری و گرفتاری ایجاد می شود. در دوران قبل از ازدواج هر کدام از آنها حاضر به اهداء خویشتن هستند زیرا می پندارند که طرف مقابل آنها را بر آن می دارد تا کمبودهای خود را از میان بردارند. زن و شوهر، هر کدام تحت تأثیر این توهم که دیگری نواقص او را برطرف خواهد ساخت ازدواج می کنند که این خود یکی از مهمترین عوامل مشکل ساز در زندگی زناشویی است. اما یکی دیگر از گرفتاری های ازدواج های ناموفق در این است که زن و شوهر گمان می کنند که هنگام بروز اختلاف زناشویی، روابط آنها بهبودپذیر نیست. این باور، با از بین بردن انگیزه اصلاح رفتار و اقدامات سازنده، هر گونه پیشرفت در مناسبات زناشویی را متوقف می سازد. تجربه نشان داده که حتی اگر یکی از طرفین، زن یا شوهر، رفتار سازنده ای در پیش گیرد، نه تنها به بهبود رابطه زناشویی آنها کمک می کند بلکه در رفتار همسرش نیز تغییرات مثبتی ایجاد می نماید. عوامل رضامندی زناشویی و رفتار سازنده را می توان اینگونه بیان کرد: تعهد، وفاداری، اعتماد، تقرب، صمیمیت و ایمنی پیوندهای عشق و محبت. مازلو، میل جنسی را یک راه برای بیان نیاز عشق می دانست و ناکامی در برآورده ساختن نیاز به عشق را، علت اصلی ناسازگاری هیجانی و زناشویی می دانست. به یاری عشق، فرد خود را به تعالی می رساند. عشق انسانی چنان نیروی معجزه آسایی دارد که قانون طبیعی رکود را در صحنه نبرد با شکست روبه رومی سازد. افروز، عواملی را برای رضایتمندی در ازدواج عنوان می کند از جمله: سلامت روانی و تعادل عاطفی در طرفین و سلامت و پاکی نفس؛ زنان پاک، شایسته مردان پاک و مردان پاک و طیب، لایق زنان پاک و طیبه هستند. در فرهنگ اسلامی، یکی از اساسی ترین معیارهای کفویت، برابری و مساوات در طهارت و پاکدامنی و مصونیت نفس از کشش های نفسانی است. تقویت در ایمان و آرامش دل، که هر دو نفر وجودشان منبع آرامش و وارستگی باشد و دلشان از هر نوع ناآرامی و ناامنی و تردید آزاد باشد. شباهت در اخلاق، منش و رفتارهای فردی و اجتماعی و در زمینه ی تربیت و فرهنگ خانوادگی هم کفو باشند.

منابع

- اربابان اصفهانی، مرضیه؛ قافله کش کرمانی، مینا (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین رضایتمندی زناشویی مردان و زنان شهر اصفهان، چکیده مقالات کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، تهران، شماره دوم، دوره دوم، صفحه ۳۶.
- استرنبرگ، رابرت. جی (۱۹۹۷)، قصه عشق (نگرشی تازه به روابط زن و مرد)، ترجمه: علی اصغر بهرامی (۱۳۸۶)، چاپ دوم، تهران: نشر جوانه رشد.
- امان الهی فرد، عباس (۱۳۸۵)، بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و عوامل فردی - خانوادگی بارضایت

- زناشویی در کارکنان اداره های دولتی شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بک، آرون. تی (۱۹۹۴)، عشق هرگز کافی نیست، ترجمه: مهدی قراچه داغی (۱۳۷۹)، تهران، نشر پیکان.
- بک، اسکات (۱۹۳۶)، هنر عاشقی (بحثی در روان شناسی عشق، ارزش های سنتی و تعالی روحی)، ترجمه: زهرا ادهمی (۱۳۸۱)، چاپ سوم، تهران: نشر دایره.
- خوشنویسان، زهرا؛ دلاور، علی؛ افروز، غلامعلی (۱۳۸۷)، بررسی میزان رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه های دولتی مشهد، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، شیراز، صص: ۱۵۳-۱۵۰.
- دانش، آذر (۱۳۸۳)، بررسی رابطه رضایت زناشویی با رضایت از رابطه جنسی زوجین، نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران (چکیده مقالات)، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رفیعی نیا، پروین؛ اصغری، آرزو (۱۳۸۶)، فصلنامه خانواده پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره نهم، دوره سوم، صص: ۴۹۱-۵۰۱.
- سپاه منصور، م؛ مظاهری، م (۱۳۸۵)، مقایسه مؤلفه های سبک های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، صص ۲۱۷.
- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳)، بررسی تأثیرات تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سپاه منصور، م؛ مظاهری، م (۱۳۸۵)، مقایسه مؤلفه های سبک های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، صص ۲۱۷.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن (۱۹۹۸)، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سید محمدی (۱۳۸۵)، چاپ نهم، تهران: مؤسسه نشر و ویرایش.
- شریف نیا، فریبا (۱۳۸۰)، رابطه بین رضایت از ازدواج و افسردگی مادران و ارتباط این متغیرها با سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی فرزندان دختر دوره راهنمایی در شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- عیسی نژاد، امید؛ شمعی، فاطمه؛ احمدی، سیداحمد (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر انواع عشق بر شادمانی زناشویی، چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی تهران، صص ۲۹۱.
- فاتحی زاده، م؛ احمدی، ا (۱۳۸۴)، بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان، مجله خانواده پژوهی، سال اول، شماره دوم، صص: ۱۰۹-۱۱۹.
- قمرانی و سادات جعفر طباطبایی (۱۳۸۵)، بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت زناشویی و متغیرهای دموگرافیک. مجله تازه ها و پژوهش های مشاوره، جلد ۵، شماره ۱۷، صفحات- ۹۵-۱۰۹.
- کامکار، م؛ جباریان، ش (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، صص ۳۱۱.

ولی بیگی، میترا؛ پیوسته، مهرانگیز (۱۳۸۷)، بررسی میزان و نوع عشق با رضایت از زندگی و سلامت روان (عاطفه مثبت و منفی) در دانشجویان زن متأهل دانشگاه الزهراء، چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۳۹۶.
 وندرزندن، جیمز دبلیو (۱۹۹۶)، روان شناسی رشد، ترجمه: حمزه گنجی (۱۳۸۳)، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

- Acker, M. ,& Davis, M. H. (1992). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. *Journal of social and personal Relationships*, 9,1,2-50.
- Crawford, D. W. , Feng, D. , Fischer, J. L. , & Diana,L. K. (2003). The influence of love, equity, and alternative on commitment in romantic relationships. *Family and consumer Research Journal*,31,3,253-271.
- Donnellan, M. B. , Learson- rife, D. , & Conger, R. D. (2005). Personality , family history, and competence in early adult romantic relationships. *Journal personality and social psychology* ,88,3,562-576
- Dietch, J. (1978). Love, sex role and pdsychological health. *Journal of personality Assessment*, 42(6), 626- 634.
- Esch, T. , & Stefano, G. B. (2005). The neurobiology of love. *Neuroendocrinology Letters*, 26(3), 175- 192.
- Gonzaga,G. C. , Keltner, D. , Londhal, E. A. ,& Smith, M. D. (2006). Love and commitment in romantic relations and friendship. *Personality and social psychology*, 81(2), 247- 264.
- Gonzaga, G. C. , Keitner, D. , Londahi, E. A. ,& Smith, M. D. (2001). Love and the commitment problem in romantic relations and friendship. *Journal of personality and social psychology*, 81, 2, 247-262.
- Hatfield, E. , & Rapson, R. (2006). Love and sexual health, In J. Kuriansky(series Ed). M. S. Teeper & Annette F. Owens (vol. Eds.). *Sex, love, and psychology: Sexual health*, vol, I. psychological Foundations, 93- 97. New Yourk: Praeger Publishing.
- Kim, J. & Hatfield, E. (2004). Love types and subjective wellbeing: A cross – cultural study. *Social Behavior and personality*, 32(2), 173- 182.
- Overbeak, B. , Kemp, B. , & Engels. G. (2007). Two personalities, one relationship: Both patners personality traits, *Journal of personality and social psychology*, 79,251-259.
- Straub, R. O. (2002). *Health Psychology*. New Yourk: Worth Publishers.

تاریخ وصول: ۸۹/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۱